

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ع. شفق

۲۷ جولای ۲۰۲۱

تشکل و تسلیح، راه پیشروی جنبش توده‌ئی ست!

جامعه تحت سلطه ما به رغم شرایط فاجعه بار ناشی از حیات در زیر فضای خفقان بار و استیلای یکی از وحشی‌ترین و عریانترین دیکتاتورهای سرمایه داران زالو صفت، بار دیگر در حال نفس کشیدن است. اما از میان دود و آتش خشم و صفیر گلوله‌ها و سرکوب و بگیر و ببند و بوی خونی که درخیمان حاکم در خیابانها و کوچه‌های خوزستان بر زمین ریخته‌اند، این عطر شکوفه‌های آزادی و پایان عمر جمهوری اسلامی به دست توده‌های به پا خاسته است که مشام هر انسان و نیروی آزادیخواه را انباشته می‌سازد و بر سنگینی وظایف تاریخی آنان برای کمک به خیزش گرسنگان تاکید می‌ورزد.

انفجار عظیم و گسترده جنبش توده‌ئی در شهرهای خوزستان به پیشگامی خلق عرب، با فریاد آب، زمین، انقلاب و نابودی نظام، تداوم اعتصابات وسیع کارگران به جان آمده در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، فریاد‌های شورانگیز "مرگ بر جمهوری اسلامی" در تهران و ... نوید دهنده یک طوفان جدید است که در آن صفوف ارتش گرسنگان و پا برهنگان، با وجود پراکندگی، بار دیگر با مارش دلیرانه خود در ده‌ها شهر و روستای کشور، مستقیماً و بی هیچ توهمی به دشمنانشان، کل ساختار پوسیده و منحل نظام استثمارگرانه حاکم و سگ پاسبان آن یعنی رژیم وابسته جمهوری اسلامی را به چالش کشیده‌اند.

اکنون حدود یک هفته است که در کوچه‌ها و خیابانهای شهرهای خوزستان جوانان آگاه و مبارز خلق عرب و دیگر توده‌های خوزستان، به ویژه زنان دلیر در تداوم اعتراض به پامال نمودن حق زندگی و کار در مقابل خودروهای ارتشی و سپاهی و مزدوران تا بن دندان مسلح رژیم ایستاده‌اند و با وجود دادن (حداقل ۶ کشته تا زمان نگارش این مطلب) و صدها زخمی و به رغم بازداشت‌های وسیع، با خون خود پرچم نابودی جمهوری اسلامی را رنگین‌تر ساخته‌اند و از شرف و هستی خویش در مقابل دزدان و استثمارگران حاکم و اربابانشان دفاع می‌کنند. در این حال مردم سراسر کشور ما چشم به مصاف خاوران و برادران هم‌سرنوشت خویش در این خطه، علیه دشمن مشترک دوخته و با هر آنچه که می‌توانند به حمایت از آنان برخاسته‌اند. بستن جاده‌ها و مبادی ورود و خروج برخی شهرها توسط توده‌های تحت ستم در استانهای مجاور با هدف اخلال در حرکت و گسیل نیروهای سرکوب به خوزستان و تظاهرات دیوانرویی در آذربایجان و تهران و نموده‌ایی از این همبستگی مبارزاتی را به نمایش می‌گذارند. این توده‌های آگاه و مبارز با این حرکات ستایش برانگیز خویش در آن واحد، تحرکات ضد انقلابی پان ایرانیست‌های شوونیست

وابسته به حکومت و دار و دسته های ناسیونالیستی مرتجع برای تفرقه افکنی در مبارزه با دشمن مشترک را نقش بر آب می سازند .

از سوی دیگر، گسترش همبستگی مردمی در سراسر کشور با اعتصاب و مطالبات کارگران، فریادهای پشتیبانی مردم آذربایجان و کردستان و سیستان و تهران از مطالبه آب و زمین و ... توسط توده های رنجیده خوزستان تشنه، گسترش شعارنویسی با مضمون مرگ بر جمهوری اسلامی ، مرگ بر دیکتاتور و زنده باد انقلاب در نقاط مختلف کشور و جنبشهای اعتراضی افشار دیگر که هر روز با تجمع و تظاهرات در گوشه ای از تهران و شهرهای بزرگ و کوچک، آزادی و حق حیات و معاش خود را فریاد می زنند، گوشه ای از بن بست بزرگ پیشروی گردانندگان نظام و اربابان و حامیان جهانی آنها در مقابل خواست تغییر و انقلاب توده ها در ایران را به نمایش می گذارد.

در ورای تمامی این جوششهای مبارزاتی، این نیاز به دگرگونی و انقلاب اجتماعی علیه کلیت مناسبات ارتجاعی سرمایه داری وابسته حاکم بر ایران است که هر روز از یک گوشه این مملکت، از خانه و کارخانه و محیط کار و مدرسه گرفته، تا کوه و دریا و محیط زیست و در و دیوار فریاد می کشد و نابودی اهریمنان جمهوری اسلامی را نوید می دهد. این بار اما، این خوزستان تشنه و خلق محروم عرب است که برای حق آب و نان، جلودار جنبش آزادی بخش مردم ما علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داران رذل حاکم شده است.

در توضیح دلایل شرایط موجود باید گفت که رژیم جمهوری اسلامی به دلیل این که رژیمی سر تا پا وابسته و نوکر امپریالیستها و مدافع منافع آنها و سرمایه داران داخلی می باشد، همانگونه که تاکنون نشان داده به دلیل ماهیت ضد خلقی خود نه می خواهد و نه می تواند کوچکترین گامی در جهت پاسخ به کوچکترین خواستهای توده های به جان آمده بردارد. در نتیجه در مقابله با موج کنونی جنبش توده ئی، جمهوری اسلامی راهی جز خونریزی بیشتر، آنهم به امید سرکوب مبارزات مردمی در جلوی خود ندارد. اما یکی از پارادوکسهای شرایط کنونی درست در همین نقطه قرار دارد. سرکوب همیشه به نتایج مورد نظر، یعنی حفظ شرایط دلخواه رژیم آنهم به طور دائمی منجر نخواهد شد. روند جنبشهای اعتراضی توده ها از سال ۸۸ تاکنون در جریان حداقل ۳ خیزش توده ئی بزرگ این حقیقت را به اثبات رسانده است که توده های مبارز ما با دستمایه قرار دادن تجارب اخذ شده از جنبش های خود هر بار با آگاهی بیشتر و با پتانسیل مبارزاتی بالاتری قدم به صحنه مبارزه می گذارند و در جریان همین کوششها و حرکت ها، شرایط ایجاد تشکل های مبارزاتی را هموار می سازند.

واقعیت این است که تضادهای مرگبار توده های جان به لب رسیده ما با رژیم جمهوری اسلامی به مثابه حافظ منافع سرمایه داران استثمارگر خارجی و داخلی هر روز شدت بیشتری به خود می گیرد؛ و این رژیم در طی ۴۲ سال تنها با اعمال ظلم و ستم، سرکوب مطلق کارگران، دهقانان و اقشار زحمتکش، به صلابه کشیدن نیمی از جامعه یعنی زنان، و نابود کردن زندگی چند نسل از جوانان، سرکوب و به خاک و خون کشیدن خلقهای تحت ستم و اقلیتهای مذهبی و ... خود را سرپا نگاه داشته است. اما این روند نمی توانست و نمی تواند معضلات هیچ رژیم ضد خلقی ای را حل کند و بقای آن را تا ابد امکان پذیر سازد. برعکس، استفاده از زور ضد انقلابی و سرکوب جدا از تأثیرات محتمل آنی، همانگونه که شاهدیم به طور گریز ناپذیر بر درجه خشم، پتانسیل مبارزاتی و قدرت و قاطعیت توده های سرکوب شونده علیه سرکوب کنندگانشان اضافه نموده و خواهد ساخت. تحمیل این حجم از فقر و گرسنگی و بیکاری و گرانی و گورخوابی و فرزند فروشی و هزاران بلایای غیر قابل توصیف دیگر بر کرده مردم و در همان حال حفاظت از چنین مناسبات کثیفی به نفع یک مشت سرمایه دار داخلی و خارجی آن هم با اتکاء به سرکوب و شکنجه و زندان و اعدام و ... تنها بر خشم و نفرت و انگیزه و قاطعیت استثمارشوندگانی افزوده است که هر بار که به پا می خیزند با شعارهای

رادیکالتر و اقدامات قاطعانه تر مبارزاتی به میدان می آیند و هر چه بیشتر به طور طبیعی به ضرورت متشکل شدن و اعمال قهر انقلابی علیه دشمنانشان پی می برند. بدون شک در این مسیر، توده های خشمگین و آگاه، مسببین وضع فاجعه بار حیات و هستی خویش را به بیرحمانه ترین وضعی به سزای اعمال تبهکارانه خویش خواهند رساند.

اکنون در "مدیای" رسمی که یکی از ابزارهای تحلیل و سنجش اوضاع و ارزیابی سیاستهای قدرتهای امپریالیستی ذینفع در ایران است، گزارشاتی در مورد بحران ایران و جمهوری اسلامی به چاپ می رسند که در آن ناظران با مشاهده روحیه توده های به پا خاسته و وضع رژیم رسوای جمهوری اسلامی مطرح می کنند که در ایران "خشم" مردمی جای "ترس" از حکومت را گرفته است و نسبت به عواقب این مساله یعنی امکان انقلاب ابراز نگرانی می کنند. (نشریه لوموند فرانسه) و یا در فضای مجازی گزارشاتی به نقل از همین نوع مدیا در آمریکا منتشر می گردد که در آنها از تردید بالاترین مقامات سیاسی و نظامی (ارتش و سپاه ضدخلقی) در مورد جواب دادن سرکوب و "شدت عمل" در مقابله با موج اخیر صحبت می شود. نکته قابل توجه این است که سران رژیم از این که این "شورش تنها یک پوسته پیاز با مسلح شدن فاصله دارد" احساس وحشت می کنند.

حقایق برشمرده در فوق نشان دهنده آن هستند که مبارزات توده ها به رغم هر کمی و کاستی چگونه بر روحیه و وضعیت دشمنانشان تاثیر می گذارد و گردانندگان نظام تا چه حد از این مبارزات و شورشهای مردمی در هراس هستند. چرا که می دانند از دل همین شورش هاست که امکان ایجاد تشکل های انقلابی و مسلح به وجود می آید، تشکل های سیاسی- نظامی ای که جواب گلوله دشمن را با گلوله می دهند و راه سازماندهی مسلح توده ها برای به ثمر رساندن یک جنگ توده ئی را می پیمایند. چنین است که این حقایق بر ضرورت ارتقاء جنبشهای قهرآمیز کنونی به سطحی بالاتر به منظور مقابله با رژیم حاکم تأکید می کنند.

در این شکی نیست که شرایط کنونی یعنی ورود توده عظیمی از کارگران و توده های به جان آمده با خواست نابودی رژیم جمهوری اسلامی به صحنه مبارزه و درگیری مستقیم، بی هراس و شجاعانه آنها با رژیم و ماشین سرکوبش، وظایف مبارزاتی بزرگی را بر دوش نیروهای آزادیخواه جامعه به ویژه جوانان آگاه و پیشرو می گذارد که در خیابانها در صفوف مقدم در جلوی ماشین سرکوب رژیم ایستاده اند و برای ایجاد هماهنگی و تشکل و رهبری جنبش مردمی در مقابل دشمن می کوشند. در این پیکار توجه به دو نکته اساسی و تلاش برای تبلیغ و ترویج و آگاهگری در میان توده های به میدان آمده در رابطه با این دو نکته، شرط پیشرفت و گسترش مبارزات کنونی ست.

نخست آن که این واقعیت دانسته و مورد تبلیغ قرار گیرد که مسبب شرایط کنونی حاکمیت یک مشت "آخوند احمق" و "مرتجع" که گویا از ۱۴۰۰ سال پیش به طور ناگهانی ظهور یافته و سکان نظام سرمایه داری ایران را به دست گرفته و فجایع کنونی را به علت "عقب ماندگی" و "اعتقادات مذهبی" خود موجد شده اند، نیست. امروز، این دیگر یک حقیقت ثابت شده است که عروج دار و دسته خمینی و اساسا پروژه جمهوری اسلامی با هدف سرکوب انقلاب مردم و حفظ نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، نتیجه توافقات امپریالیستی بود که به طور مشخص در کنفرانس گوادلوپ قطعیت یافت و پس از آنکه حفظ رژیم شاه توسط امپریالیستها در مقابل امواج انقلاب امکان ناپذیر شد، جمهوری اسلامی در خلاء ناشی از وجود یک رهبری انقلابی بر جنبش توده ها تحمیل شد. اما جدا از این حقیقت، باید توجه کنیم که در چهل و دو سال گذشته تحت نظر مستقیم امپریالیستها توسط همین رژیم هزاران میلیارد دلار از درآمدها و ثروتهای این مملکت یا به جیب بزرگترین انحصارات نفتی و نظامی و صنعتی آنها رفته و یا در کانالهای مورد نظر امپریالیستها صرف تداوم و توسعه سلطه امپریالیسم در منطقه شده است. آتش افروزی در ۸ سال جنگ بی نتیجه و فرسایشی با عراق که بیلیون ها دلار را به جیب امپریالیستها و سرمایه داران زالو صفت داخلی ریخت و مردم ایران -

و عراق- را به خاک سیاه نشاند، پیشبرد ارتجاعی ترین و ضد انقلابی ترین سیاستهای امپریالیستی در پروژه "بنیادگرایی اسلامی" در منطقه به نفع صهیونیستها و امپریالیستها در خاورمیانه و شمال آفریقا، ماجراجویی های اتمی ای که پروژه اش با هدایت خود امپریالیستها و در راستای سیاست بحران سازی و سود بردن از منافع اقتصادی بیکران آن به راه افتاد و تا امروز صد ها میلیارد دلار از درآمدها و ثروتهای عمومی مردم ایران در تنور آن ریخته شده، تداوم پیشبرد سیاستهای غارتگرانه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای گسترش به اصطلاح اقتصاد بازار آزاد و حذف سوبسیدها به نفع سرمایه داران که در چند مرحله هر بار میلیونها تن از کارگران و توده های فقیر را به مرداب فقر و فلاکت پرتاب و سفره آنها را کوچک و کوچکتر نموده، اجرای سیاست همان نهادهای بین المللی در از بین بردن قانون کار که طبقه کارگر ایران را عملاً به برده های ارزان قیمت سرمایه داران سودجو تبدیل نموده، "آزادی سازی" قیمت سوخت و انرژی که نتیجه اش سوزاندن ریشه حیات توده های رنجبر شده و باعث کسب جوایز رسوا از همان نهادهای غارتگر بین المللی توسط سران جمهوری اسلامی گشته، همه موارد این لیست بی پایان، دلایل ریشه ای به وجود آمدن وضعیت مرگبار کنونی و تداوم آن هستند. به واقع در ورای عبا و عمامه آخوندها و رژیم آنها، این داستان غارتگر و اهریمنی امپریالیستها ی شرق و غرب ست که خون کارگران زحمتکش ما را مکیده و توده های تحت ستم ما را به چنین روزی انداخته اند. اگر توجه کنیم که تمامی مصائب موجود نظیر فقر و بیماری و گرانی و تورم و محرومیت در اشکال مختلف در رژیم سیاسی پیش از جمهوری اسلامی نیز -البته در ابعادی متفاوت- وجود داشتند بدون آنکه حکومت "آخوندی" بر سر کار باشد، آنگاه به نقش عامل اصلی فجایع موجود که همان تحت سلطه امپریالیسم قرار داشتن جامعه ایران و سود جوئی سرمایه داران خارجی و داخلی است را بهتر می توانیم درک نماییم.

در نتیجه، جوانان آگاه و مبارز باید با توضیح حقایق فوق، سمت اصلی مبارزه را به سوی دشمن اصلی یعنی امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته حاکم بر ایران متوجه سازند و چهره دشمنان اصلی مردم ما را به آنها نشان دهند. صد البته که در جریان مبارزه با دشمن اصلی، اولین مانع پیشروی مردم ما رژیم خونخوار و وابسته جمهوری اسلامی و تمام دار و دسته های درونی آن می باشند که حیات هر یک از آنها با هزاران ریسمان مرئی و نامرئی به امپریالیستها گره خورده و تا همین لحظه همیشه در مقابل جنبش انقلابی و توده ها از حمایت کامل اربابان جهانی شان برخوردار بوده اند.

نگاهی به برخورد قدرتهای فریبکار امپریالیستی با مصاف جاری بین خلق و ضد خلق در ایران روشنگر آن است که این قدرتها در زیر لوای تبلیغات پوچ علیه جمهوری اسلامی و اظهار به اصطلاح همدردی با جنبش آزادیخواهانه مردم ما، در عمل، از هیچ کاری برای جلوگیری از انقلاب و تحکیم و بقای جمهوری اسلامی علیه کارگران و توده های محروم خودداری نکرده اند. در همین رویدادهای اخیر نیز به رغم جاری بودن وسیعترین اعتصابات کارگری و شدیدترین جنبشهای توده ئی علیه جمهوری اسلامی، آنها با خست تمام از انعکاس درست و واقعی این رویدادها اجتناب کرده و در عوض پس از انتصاب ریسی قاتل و جلاد، دولت آمریکا مشغول آزاد سازی دارایی های ایران در کره جنوبی و هند و تزریق مالی برای نجات کشتی بحران زده جمهوری اسلامی ست. به موازات این سیاست عملی یعنی رساندن آذوقه به ماشین سرکوب جمهوری اسلامی برای ریختن خون توده های تشنه و گرسنه، امپریالیستهای اهریمن صفت به طور سیستماتیک مشغول تبلیغ برای ارائه بسته بندی های فاسد "رهبری" به مردم به جان آمده جویای انقلاب هستند و در هیات این یا آن اصلاح طلب رسوا و ورشکسته سابق در داخل و خارج و یا پس مانده های رژیم نوکر صفت پیشین، "رهبرانی" را در ویتترین تبلیغات فریبکارانه خود عرضه می کنند و می کوشند همچون زمان انقلاب

سالهای ۵۶-۵۷ انرژی تاریخی و دگرگون کننده ها را در زیر پرچم این یا آن چهره ریاکار "اپوزسیون" و در واقع نوکر این یا آن جناح سرمایه داران بین المللی و دشمنان شناخته شده مردم ما، کانالیزه کرده و به هرز ببرند. اینها حقایقی ست که باید به توده های به جان آمده و جویای تغییر و آزادی در ارتباط با دشمنان اصلی و سیاستهای آن ها توضیح داده شوند.

نکته دوم و مهمتر در شرایط فعلی این است که همانطور که تجربه ۴۲ سال حاکمیت ترور و خفقان و سرکوب جمهوری اسلامی نشان داده، برای خلاصی از اهریمنان تا بن دندان مسلح حاکم هیچ راهی جز متشکل کردن و تسلیح توده ها وجود ندارد و قدم اول این راه مسلح شدن در هسته های مبارزاتی و آغاز اعمال قهر انقلابی در مقابل قهر ضد انقلابی دشمن می باشد. سرمایه داران دزد و فاسد حاکم و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی فاقد کمترین پایگاه توده ئی در میان مردم به جان آمده هستند و تنها نقطه قوت آنها برخورداری از قدرت آتش و سرکوب با اتکاء به ارتش، سپاه و نیروهای سرکوبگر است. همانطور که چریکهای فدایی خلق ایران بارها تاکید کرده اند، تجربه حکومت ننگین شاه و تجربه ۴۲ سال حاکمیت سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و تجربه چندین جنبش بزرگ توده ئی در سالهای اخیر نشان داده که این رژیم که از حمایت کامل امپریالیستها برخوردار است، نه با خواست اصلاحات، نه با نافرمانی و مقاومت مدنی، نه با اعتصاب، و نه با قیام خود به خودی توده ئی یکباره سقوط نخواهد کرد. برای سرنگونی رژیم رسیدن به آزادی، تنها راه، مسلح شدن در برابر ضد انقلاب تا بن دندان مسلح و بر پایی یک جنگ انقلابی توده ئی در مقابل سرمایه داران حاکم و رژیمشان می باشد و جز این هیچ راه دیگری وجود نداشته و نخواهد داشت. پس وظیفه مهم دیگر، تبلیغ و ترویج این حقیقت و تلاش برای کمک به سازماندهی مسلح توده ها در این مقطع در مقابل دشمنانشان است و این وظیفه ای ست که با تمام سنگینی بر دوش جوانان آگاه و نیروهای پیشرو و انقلابی در داخل ایران می باشد. جوانان مبارز باید با استفاده از تجارب جنبش مسلحانه دهه ۵۰ و بویژه تجارب چریکهای فدایی خلق ایران، با استفاده از تجارب جنبش خلق کرد و با مطالعه و تحلیل مشخص از شرایط کنونی، گرد هم آیند و با ایجاد هسته های مسلح مخفی، خود را متشکل و به سازماندهی عملیات مسلحانه و جنگ پارتیزانی با نیروی سرکوب رژیم بپردازند. این راهی ست که خود واقعیات جاری در خیابانهای شهرهای خوزستان و تهران و ... در مقابل مردم ما گذاشته و بارها موجب سردادن شعار "وای به روزی که مسلح شویم" در جنبشهای اخیر شده است. این آغاز راهی ست که به آزادی ختم خواهد شد و تمام تلاش دشمنان مردم ما نیز بر جلوگیری از گام گذاردن جوانان در چنین راهی متمرکز شده است؛ چرا که حرکت در این جهت نیروی بسیار بزرگی از جامعه را آزاد و در این مسیر روان خواهد ساخت. در این مسیر جمهوری اسلامی با همه قدرت مسلح خود به هیچ رو قادر نخواهد بود که به همان راحتی ای که یک اعتصاب دلیرانه و مسالمت آمیز کارگران و یا تجمع مسالمت آمیز توده ئی را وحشیانه و بدون پرداخت هزینه ای زیاد سرکوب می کند، گروه های مسلح و مخفی را نیز سرکوب نماید.

برای در هم شکستن دیکتاتوری حاکم و ارتش و سپاه ضد خلقی آن، باید ارتش خلقی تشکیل داد. پس با شعار "تشکل، تسلیح، اتحاد، مبارزه، پیروزی" باید در این راه قدم گذارد. این شرط پیشروی جنبش توده ها در مبارزه برای برانداختن سلطه جهانی جمهوری اسلامی و اربابان جهانی اش در ایران و شرط تضمین پیروزی در چنین مبارزه ای ست.